



## دکتر شفیع کدکنی:

سایه،

## شاعر تاریخ ادبیات ایران است

گزارش کوتاهی از

شب سالگرد سایه در خانه اندیشمندان ایران

به همت مجله بخارا و با همکاری خانه اندیشمندان علوم انسانی، شب سالگرد امیر هوشنگ ابتهاج (سایه) در سالن فردوسی خانه اندیشمندان علوم انسانی، چهارشنبه ۱۸ مرداد، ساعت ۱۷ برگزار شد. استقبال از این برنامه چنان پُر شور بود که پیش از ساعت ۱۷، علاوه بر صندلی‌ها، تمام راه‌پله‌ها، جلوی سن و جاهایی که امکان ایستادن وجود داشت، انباشته از جمعیت بود. ده‌ها نفر، نزدیک به سه ساعت برنامه را ایستاده دنبال کردند. افرادی که به موقع یا اندکی دیر آمدند، نتوانستند به داخل سالن راهی پیدا کنند. ضرورت دارد که نهادهای شهری چاره‌اندیشی کنند تا چنین مراسمی در سالنی بزرگ‌تر و مجهزتر برگزار شود تا فرهنگ‌دوستان کشور، مجبور نباشند ساعت‌ها بیایستند یا پس از تحمل ساعت‌ها ترافیک نتوانند در سالن جایی بیابند و ناکام بازگردند؛ به ویژه این که این سالن فاقد دوربین‌های مدار بسته است و مردمی که در سالن نیستند، نمی‌توانند برنامه را دنبال کنند.

برنامه بزرگداشت سایه با سخنان کوتاه آقای علی دهباشی شروع شد که یادی کرد از یاران سایه، از مرتضی کیوان تا سیاوش کسرایی و از محمد رضا لطفی تا نادر نادرپور و اینکه جایشان در این نشست خالی است.

پس از علی دهباشی خانم یلدا ابتهاج دختر سایه، ضمن سپاس از مجله بخارا و همه کسانی که در تدارک این مراسم شرکت داشتند، در سخنان کوتاهی گفت، گرچه سایه از میان ما رفت اما امید را برای همیشه به ما بخشید. پس از آن، یلدا ابتهاج از دختر ۶ ساله سخت‌سری، آوا زابلی، دعوت کرد تا به روی سن برود. آوا در کمال زیبایی و فصاحت شعرارغوان اثر سایه را از حفظ اجرا کرد که به

شدت مورد تشویق قرار گرفت.

پس از آن، کلیپ تصنیف به یاد ماندنی سپیده اثر استاد محمدرضا لطفی، با شعر سایه و صدای استاد محمدرضا شجریان پخش شد و در متن آن مراسم وداع با سایه در تهران و رشت به نمایش درآمد. جمعیت با هم خوانی این تصنیف شورانگیز، شوری مضاعف به این نشست دادند.

سپس دکتر جلیل مستشاری، دانشمند علوم و از رفیقان پنجاه ساله سایه پشت تریبون قرار گرفت و اشاره کرد که او اندیشه زیبایی مشترک با سایه را در جوانی، نه از مدارس و دانشگاه‌های رسمی، بلکه از دلوران و رزمندگان آموخته است. او افزود که عشق به هنر، ادبیات و علوم انسانی جزئی از وجود او شده است و این آتش را هنرمندان برجسته کشور در وجود او برافروخته‌اند. دکتر مستشاری در ادامه گفت:

«از امیدهای سایه در سال ۱۳۳۰ در دوران حکومت ملی دکتر محمد مصدق و امیدی که سایه و همه مردم ایران به آینده داشتند، آغاز می‌کنم. امیدی که با کودتا ناامید شد. در ۱۶ سالگی، سال ۱۳۳۵ با راه برگزیده سایه و رفقای او آشنا شدم. در آن سال‌های سیاه پس از کودتا، تنها ندای آنها بود که گاهی در نشریات در دسترس بود و گاهی از زبان رفیقان شنیده می‌شد. سایه و هم‌فکرانش، همه مردم ما را در این راه، به نحو مؤثری یاری دادند. سال‌ها بعد، از سایه و دیگران شنیدم که او و هم‌رزمان در فاصله سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۳۷ در حفظ جان و اختفای مبارزان سرزمین مان نقشی مؤثر داشتند. سایه و روشنگران دیگر، از تسلیم نشدن در برابر بی‌عدالتی و ساختن جهانی نو سخن می‌گفتند. من همواره از امید او به آینده و از وسعت دیدش به جهان هستی دچار شگفتی می‌شدم، چرا که بی‌شک این همه با درد و رنج همراه است. سایه فرزند اصیل ایران است و خواهد بود. رفیقی بی‌بدیل، آموزگاری مهرورز و هنرمندی خردمند. او دیگر در میان ما نیست اما پیام مبارزات بشری را با امانت داری تمام به ما رساند. سایه فرزند واقعی مردم ایران بود، هست و خواهد بود.»

دکتر شفیعی کدکنی استاد و پژوهشگر برجسته ایران، ضمن نقد هنرمندانی که محصول دنیای رسانه هستند، طی نطقی گفت: «پس از ۷۰ سال آشنایی با آثار سایه و ۶۰ سال دوستی صمیمانه با ایشان، می‌توانم بگویم که سایه شاعر تاریخ ادبیات ماست.» او اضافه کرد که سایه در طراز شاعران تاریخ ادبیات ما، ستاره‌های تابناکی چون حافظ، سعدی و ملک‌الشعرا بهار است. دکتر شفیعی در ادامه گفت: «شاعران تاریخ ادبیات روز به روز، مانند سایه، اقتدار معنوی بیشتری خواهند یافت و هرگز از جایگاهی که به دست آورده‌اند فرو نخواهند نشست، اما طلوع و غروب شاعران تاریخ مطبوعات به نقش رسانه‌ها پیوند خورده است.»

خانم زیبا اشراقی، نویسنده و همسر شاعر معاصر قیصر امین‌پور و از شاگردان دکتر کدکنی، خاطراتی را از دیدارهای سایه، شفیعی کدکنی و قیصر امین‌پور تعریف کرد و نتیجه گرفت که شعر

سایه، شعر سلیقه‌های پخته و ورزیده است.

استاد بهرام دبیری، نقاش متعهد و سرشناس ایران ضمن تحلیل نقش نیما یوشیج در تحول شعر ایران، خاطرنشان کرد که نیما به ما آموخت که می‌توان مدرن بود اما بی‌هویت نبود. او افزود که ما سه شاعر بزرگ معاصر داریم که رهرو راه نیما بودند: محمدرضا شفیعی کدکنی، هوشنگ ابتهاج و مهدی اخوان ثالث. شفیعی زبان خراسانی را زنده کرد، ابتهاج پای در جای پای حافظ گذاشت و اخوان ثالث، راه فردوسی را در پیش گرفت. بهرام دبیری درباره شعرهای سایه گفت: «تمام شعرهای سایه خونخواهی مرتضی کیوان بود. به خصوص مراد از نماد سرو، که در کارهای ابتهاج فراوان می‌بینید، خون مرتضی کیوان است و هرگز نمی‌شد که نامی از کیوان بیاید و چشم‌های ابتهاج پر از اشک نشود.»

خانم آوا مشکاتیان، آهنگساز و دختر آهنگساز و نوازنده چیره‌دست سنتور استاد پرویز مشکاتیان، ضمن سخنان کوتاهی گفت: آگاه است که آمده اینجا تا یاد رفاقت‌های دیرین، دوستی پدرش، پرویز مشکاتیان و سایه و دوستی پدر بزرگش، محمدرضا شجریان، و سایه را یادآوری کند. وی افزود: «سایه، کلامش آئینه روشنی است برای آزادی خواهان. او افزود که هر نسلی به بلندقامتان فرهنگ نیاز دارد و خوشا به نسل ما که بلندمرتبه‌ای چون سایه دارد.»

در ادامه مراسم، آقای فرهود امیرانی، موسیقیدان، ضمن برشمردن خاطراتی از سایه و زنده‌یاد محمد زهرایی، مدیر انتشارات کارنامه، در جریان آفرینش کتاب «حافظ به سعی سایه» از دانش گسترده و درک ژرف سایه از حوزه موسیقی سخن گفت و افزود که سایه توجه فراوانی به موسیقی ایرانی داشت و از زیبا شناسی قوی برخوردار بود. امیرانی در پایان گفت که مرتضی کیوان برای سایه آرزوی از دست رفته و معیار عدالت خواهی بود.

مراسم با شکوه سالگرد شاعر بزرگ ایران با قرائت شعر ارغوان سایه توسط دختر ۱۰ ساله‌ای به نام سایه، و اهدای کتاب‌های سایه به اعضای گروه موسیقی، پایان یافت.



آوا زابلی،  
شعر «ارغوان» را  
در سالگرد «سایه» خواند.